

نواست

نگاهی به موسیقی جاز و فستیوال نیواورلئان

بنواز، با درد بنواز



علیرضا امیرحاجبی

وقتی ۴۱ سال پیش، عده‌ای از نوازندگان چیره‌دست جاز (Jazz) تصمیم گرفتند تا موسیقی‌شان را هرساله در یک جمع کوچک به‌اجرا بگذارند، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که روزی این گردهمایی تبدیل به بزرگ‌ترین فستیوال جاز و میراث موسیقی شهر نیواورلئان در ایالت لوئیزیانا شود. در ۱۹۷۰ بسود که جورج واین خواننده، پیانیست، تهیه‌کننده سفیدپوست آمریکایی، این گردهمایی را با چند نفر از دوستانش بنیان گذاشت. نیواورلئان این روزها غم عمیق توفان کاترینا در تابستان ۲۰۰۵ که باعث تخریب بیش از سه‌چهارم شهر و خسارتی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار شد را به‌فراموشی سپرده تا باردیگر روح موسیقی اصیل جاز در زادگاه خود، ملین‌انداز شود و شادی بار دیگر به این شهر بازگردد. سابقه موسیقی جاز در نیواورلئان به سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۵ بازمی‌گردد. هنری چند فرهنگی که در بستر جامعه سیاه‌پوستان آمریکا شکل گرفته و قوام یافته است، ریشه‌های اصلی این موسیقی را به مانند سایر هنرهای اصیل به راحتی نمی‌توان ردیابی کرد؛ مگر آنکه به تاریخ پرقرار و نشیب مهاجران اروپایی، بردگان آفریقایی و موسیقی لاتین بازگردیم. موسیقی بردگان و سپس سرودهای کلیسایی سیاه‌پوستان از بنیان‌های اصیل این هنر پیچیده است. نوازندگان دوره‌گرد با الهام از این منابع نغمه‌هایی غم‌انگیز اما امیدوارانه را به گوش مردم کوچه و بازار می‌رسانند. به همین دلیل موسیقی جاز به عنوان یک هنر عامه‌پسند نزد تمامی مردم جایگاهی نوستالژیک دارد. جاز از قبل از جنگ جهانی اول در سراسر آمریکا گسترش یافت. از نیویورک و شیکاگو گرفته تا نیواورلئان شهر سیاه‌پوستان و پس از آن بود که به دلیل پویایی موسیقی جاز سبک‌ها و زیرگروه‌های متعدد و متنوعی مانند رگتایم، سوئینگ و بلوز پا به عرصه وجود گذاشتند.

عدم وجود اصول مدون و تئوری‌های پایه‌ای باعث آن شد که سبک‌های جاز رنگ و بوی جغرافیایی و بومی ویژه خود را بگیرند. این رنگ‌آمیزی‌های بومی با اصل دیگری ترکیب شد: «له‌نوازی»



بدین ترتیب موسیقی جاز، همواره مخاطب خود را شگفت‌زده می‌کند. در این بین سبک جاز نیواورلئان یا دیکسی‌لند جایگاه ویژه‌ای در تاریخچه این موسیقی دارد. این میراث از موسیقی دانان بزرگی چون لویی آرمسترانگ، جو کینگ تا به امروز زنده و پرشتاب به پیش آمده است.

از مشخصات اصلی جاز نیواورلئان می‌توان به ریتم (ضربانگ) پیچیده و نیز تکنوازی و برجسته‌تر شدن نوازندگان نسبت به خوانندگان اشاره کرد. در سبک نیواورلئان بود که ترومپت و نیز ساکسوفون دو ساز بادی برنجی (Brass) قدرت تکنوازی خود را به نمایش گذاشتند. در اینجا نمی‌توان نقش پرنگ لویی آرمسترانگ نوازنده بزرگ ترومپت را از یاد برد. آرمسترانگ بدون هیچ تردیدی برجسته‌ترین بداهه‌نواز جهان بود که هنوز هیچ رقیبی نتوانسته جایگزین او شود. ذهنیت او در جاز یک پدیده مدرن بود. از مشخصات موسیقی او، ملودی‌هایی غیرمعمول، پرش‌های به شدت ناگهانی از یک صوت بر صوت دیگر، از صدای بم به صدایی زیر بود. از جمله دیگر موسیقی‌دانان سبک جاز که تاثیر فراوانی بر موسیقی پس از خود گذاشته می‌توان به دوک الینگتون، مایلز دیویس، جانگو راینهارت، چارلی پارکر و دسته آخر چیک کوریا اشاره کرد. موسیقی جاز بر بسیاری از سبک‌های مدرن در حوزه‌های لاتین، آمریکا و اروپا تاثیر گذاشت. از جمله به آهنگسازانی چون ارون کوپلند، لئونارد برنشتاین و جان آدامز. جشنواره اسمال نیواورلئان فرصت مناسبی بود تا این شهر با پذیرش صدها هزار توریست و فروش بلیت کنسرت‌ها بتواند مرهمی بر زخم‌های عمیق کاترینا بگذارد. در همین حال دست‌اندرکاران جشنواره اعلام کرده‌اند به یاد قربانیان و مردم کشور هائیتی نیز هستند و قرار است بخشی از درآمدهای فستیوال به صندوق حمایتی هائیتی واریز شود. فستیوال میراث جاز نیواورلئان هرساله از ۲۹ آوریل در این شهر برگزار می‌شود.

اگر موافق هستید، بحث را از آلبومی شروع کنیم که مدتی است با صدای شما وارد بازار موسیقی شده است- یاد باد- که بزرگداشتنی برای مشکاتیان با آهنگسازی «سیامک آقایی» است. این آلبوم که ضبط زنده کنسرت است، به صورت صوتی و تصویری منتشر شده است. چرا همان کنسرت را منتشر کردید و روند انتشار طبق روال معمول آلبوم‌های دیگر نبود؟

این اثر همان طور که شما اشاره کردید، همزمان هم به‌صورت صوتی و هم ویدیوی کنسرت منتشر شد. تجربه‌ای که در فضای موسیقی ایران تاکنون در موارد محدودی اتفاق افتاده است و نمونه کمتری از آن را مشاهده کرده‌ایم. این اثر که به صورت دو «دی وی دی» و یک «سی دی» است، توسط آقای «سیامک آقایی» که یکی از برترین و شناخته‌شده‌ترین شاگردان استاد مشکاتیان است، آهنگسازی شد و ما یکی، دو ماه بعد از خاموشی استاد، این اثر را در تالار وحدت تهران به مدت دو شب به اجرا درآوردیم. این کنسرت توسط ۱۱ دوربین دیجیتال به شکل کاملاً حرفه‌ای فیلمبرداری شد و برنامه‌ای که در شب دوم به اجرا درآوردیم، به صورت اثر مستقل ضبط شد و هم اکنون همان فیلم منتشر شده است.

سوال من همین جاست، این کار را مشکل نمی‌کرد؟ یعنی اگرچه این اتفاق در تمام دنیا معمول است، اما همان طور که شما هم گفتید، در ایران چندان تجربه نشده‌است. به خصوص اینکه قطعات این کنسرت بسیار سنگین بود و همین کار را با حساسیت بیشتری مواجه می‌کرد.

بله، اجرای این اثر که در دستگاه نوا و آواز دشتی است، کار بسیار دشواری بود. به خصوص اینکه تنها دو ساز سنتور و تنبک از کستر این اثر را تشکیل می‌دادند، ضمن آنکه در قطعات آوازی تنها سنتور می‌نواخت و تنبک در تصانیف ما را همراهی می‌کرد. با این وجود خوشبختانه برنامه با کمترین خطایی ممکن به اجرا درآمد. سنتور را خود «آقایی» می‌نواخت و «پدرام خاور زمینی» نیز به عنوان نوازنده تنبک ما را یاری دادند. ایشان نوازنده برجسته‌ای در نوازندگی تنبک است و ما او را برای اجرای این کنسرت از فرانسه به ایران دعوت کردیم. به هر حال از ابتدا تصمیم داشتیم تا انتشار کار به همین صورت باشد، به همین خاطر فیلمبرداری حرفه‌ای این اثر را ضبط کردند و فضای گرم حاکم بر کنسرت نیز ما را بیشتر به هدف‌مان نزدیک کرد.

اصلا چه اضرای به این ماجراست؟ به هر حال ضبط استودیویی این امکان را برای هنرمند به وجود می‌آورد که کار خود را با ویرایش بیشتری منتشر کند.

درست است، یعنی ممکن است که اثری که به صورت استودیویی ضبط شده است، تمیزتر و با خطای کمتری به نظر آید، اما طبیعی است که حس و حال بهتری که برنامه‌های زنده وجود دارد. در تمام هنرها نیز وضعیت به‌همین منوال است، به همین خاطر است که تئاتر هنری پوپتاز از سینما به حساب می‌آید. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع، آن باشد که نوازنده و خواننده در اجرای کنسرت خود احساس مسوولیت بیشتری می‌کنند. درحالی که در ضبط استودیویی تنها یک مترنوم است که خواننده و نوازنده باید در چارچوب آن به اجرای برنامه بپردازند. البته هنرمند باید به اندازه‌ای حرفه‌ای باشد که هیچ مخاطبی متوجه تفاوت این دو نشود، اما به هر حال گرم‌ای اجرای زنده، خواه ناخواه به مخاطب منتقل می‌شود. همین اثر «یاد باد» نمونه‌ای بر این مدعاست.

البته این حسن و حال می‌تواند در اجراهای استودیویی هم وجود داشته باشد، منتها اهالی موسیقی این روزها خود را در ضبط آثار ملزم به هم‌نوازی نمی‌کنند و هر کدام به تنهایی خط ملودی خود را اجرا می‌کنند. این همان عاملی نیست که باعث ایجاد تفاوت این دو شیوه می‌شود؟

دقیقا. این سال‌ها رسم شده است که نوازنده‌ای مثلا تنبک را می‌زند و بعد از شش ماه کس دیگری آمده و سنتور قطعه را می‌نوازد و بعد از مدتی نوازنده تار ملودی‌های مربوط به این ساز را اجرا می‌کند. حتی در بسیاری مواقع ممکن است، نوازندگان همدیگر را نشناسند و حتی همدیگر را نبینند. البته این مساله را باید صرف نظر از قدرت یا ضعف نوازندگی مورد توجه قرار داد. به همین خاطر است که حس و حالی که ما در بسیاری از آلبوم‌های قدیمی مشاهده می‌کردیم، هم اکنون وجود ندارد. گروه‌هایی مثل «عارف» و «شهسا» که آثار برجسته‌ای را منتشر کرده‌اند، تنها یک گروه نبودند، آدم‌های پودماند که نشسته‌اند و با هم زندگی کرده‌اند. یعنی سال‌ها به خانه یکدیگر رفت و آمد داشته‌اند، با هم مسافرت می‌رفتند، مدام در حال گپ‌وگفت بودند و خلاصه اینکه در یک کلام رفیقی بودند. در کنار اینها نوازندگی نیز می‌کردند و با هم به اجرای برنامه نیز می‌پرداختند و به همین خاطر است که آثار به جا مانده از این دو گروه، هنوز که هنوز است تا این اندازه مورد اقبال مخاطبان است و کارها ماندگار شده‌اند. اما حالا وضعیت گروه‌ها بسیار مشکل دارد.

آخر در حال حاضر اصلا گروهی در موسیقی ایران وجود ندارد. دقیقا یک گروه بزرگ شاید یک سال دوام بیاورد و بعد از مدتی از هم پاشیده می‌شود. مگر استثنایی مثل دستان... دستان تنها نمونه‌ای است که می‌توان نظم و ترتیب و دوستی‌اش را در فضای کنونی موسیقی ایران مثال زد و هم اکنون بیش از ۱۵ سال است که اعضای آن با همدیگر همکاری دارند.

گویا شما بار دیگر، قرار است خرداد به همراه این گروه در ایران به اجرای برنامه بپردازید.

بله، قرار است از ۱۹ خرداد به مدت پنج شب با این گروه در تالار وحدت تهران به اجرای برنامه بپردازیم. قطعات این

موسیقی

گفت‌وگو با سالار عقلی خواننده به بهانه انتشار آلبوم «یاد باد» و کنسرت گروه دستان

هنرمند نباید کلیشه شود

سما بابایی



سالار عقلی را شاید بشود یکی از جسور ترین خوانندگانی دانست که هم اکنون در فضای موسیقی ایران فعالیت می‌کند. او در کنار اجرا با گروه‌ها و آهنگسازان برجسته، ایایی ندارد که با جوان‌ترها نیز کار کند و همان‌قدر که با ارکستری ۷۰ نفره می‌خواند، صدای خود را تنها به یک ساز سپارد. او که حالا صدایی مستقل و شناخته شده در موسیقی ایران است، به تازگی آلبوم «یادباد» را با آهنگسازی «سیامک آقایی» منتشر کرده است و همین ماه نیز برنامه‌هایی با گروه دستان دارد، به همین بهانه به گفت‌وگو با او نشستیم.

برنامه به آهنگسازی حمید متبسم و سعید فرج پوری است و در آن، قطعات آلبوم «به نام گل سرخ» و بخشی از «دریای بی‌پایان» به اجرا درخواهد آمد. در این کنسرت یک نوازنده هندی با نام «راجیب چاکرا پورتی» هم به عنوان نوازنده میهمان، گروه را همراهی خواهد کرد. ضمن اینکه احتمال دارد در اصفهان و شیراز نیز همین کنسرت به اجرادر آید. همچنین به فاصله یک ماه بعد از آن، به همراه این گروه پروژه پردیس به آهنگسازی و رهبری «حمید متبسم» را در تورنتو و مونترال کانادا به اجرا در خواهیم آورد. بخشی از ار کستر سمفونیک تورنتو و تعدادی از نوازندگان ایرانی در این پروژه با ما همکاری خواهند داشت.

با برگردیم به بحث گروه‌های موسیقی، گمان نمی‌کنید بخشی از این مساله که در حال حاضر گروهی در موسیقی ایران وجود ندارد را می‌توان مربوط به خود اهالی موسیقی دانست؟ یعنی آنان هم انگیزه یا حوصله با هم بودن را ندارند.

من چندان با این نظر موافق نیستم، باید بیشتر مسايل جانبی را در این ماجرا دخیل دانست. به طور حتم برای هنرمندان عرصه موسیقی بهتر است که یک گروه ثابت وجود داشته باشد تا براساس آن بتوانند برنامه‌ریزی کنند و حتی قطعه بنویسند، اما این مساله ربط چندانی به آنها ندارد. برای مثال، من خودم علاقه بسیاری دارم که یک گروه بزرگ حتی یک ارکستر سمفونیک نداشته باشم، اما مساله اینجاست که این اتفاق نمی‌تواند رخ‌دهد. اگر بخواهم یک گروه بزرگ راه‌انداز کنم، باید ماهانه مبلغ بسیاری را به عنوان حقوق ماهیانه به آنها بدهم.

اما ماجرا این است که گروه‌های جمع و جور هم دوام چندانی نمی‌آورند.

به هر حال نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت که در کنار مشکلاتی که هم اکنون در فضای موسیقی ایران وجود دارد، آن دوستی و معرفتی که لازمه کار هنری و به خصوص موسیقی است هم در حال حاضر کمتر دیده می‌شود.

برای همین است که تاکید می‌کنم اهالی موسیقی خود هم در این میان مؤثرند؛ چون هر وقت که اراده کرده‌اند با تمام مشکلات توانسته‌اند گروه‌های خود را حفظ کنند.

ببینید، تشکیل یک گروه با ماندن آن تفاوت می‌کند. برای اینکه یک گروه ماندگار شود، به حمایت‌های مالی نیاز دارد که از دست اهالی موسیقی بر نمی‌آید. آنان حتی این قدرت را ندارند که یک ارکستر بزرگ را تشکیل دهند، چهرسرد به آنکه آن را ماندگار کنند. متأسفانه هم اکنون هیچ حمایتی از طرف دولت و سایر دستگاه‌های دولتی دیده نمی‌شود و تنها گروه منسجمی که هم‌اکنون وجود دارد،

با توجه به این‌ا ماجرا و علاقه‌تان به کار کردن با

ضربانگ

مروری بر تجربه‌های جدید در کمانچه‌نوازی

کمانچه و تجربه‌های نوین



هوشنگ سامانی

نوازندگی کمانچه در دوره جدید با تغییرات شگرفی همراه بوده و می‌توان گفت پس از تنبک، بیشترین پیشرفت را داشته است. افزایش حرکت‌های سرعتی (پاساز)، نواختن صداهای بسیار زیر یا به اصطلاح گرفتن پوزیسیون سوم که در عمل، دقت بسیار می‌طلبد، ایجاد صداهای مقطع (استاکاتو) با بهره‌گیری از تکنیک پیتریکاتوی ویولن و همچنین اجرای ترمولو اشاره کرد. نوازندگان نوپرداز ضمن توجه به شیوه‌های نوازندگی قدیمی، برخی تکنیک‌های مورد استفاده در کمانچه نوازی مکتب موسیقی آذربایجانی و همچنین استفاده از برخی فنون ویولن‌نوازی را در این ساز به کار برده‌اند. صدای کمانچه در چارچوب سنتی خود همواره دارای صداهای اضافی است که گاهی از آن به عنوان خش یاد می‌شود. این صدا جزو ذات کمانچه نوازی ایرانی است و در واقع بخشی از شخصیت صدایی این ساز را تشکیل می‌دهد. برخی از نوازندگان دوره جدید، صدایی بدون خش را دنبال کرده‌اند. این نوع صدا برای برخی مخاطبان جالب‌تر است.

تا چند دهه پیش وسعت صدای کمانچه در گستره سنتنی خود بود و صداهای خیلی زیر، کمتر شنیده می‌شد اما با روی آوری برخی نوازندگان پیشرو، اینک گستره صدای بیشتری از این ساز شنیده می‌شود. ایجاد صداهای بسیار زیر با استفاده از انگشت‌گذاری پوزیسیون سوم که ابتدا رحمت‌الله‌ددیعی تجربه کرده بود، اینک توسط اردشیر کامکار، سعید فرج‌پوری و کیهان کلهر به تکامل رسیده است. این تکنیک در عمل خیلی دشوار می‌نماید و کمتر نوازنده‌ای می‌تواند صداهای دقیق و زوستانی را به گوش مخاطب برساند.

در حال حاضر کمانچه، ساز بسیار مهمی در گروهنوازی ایرانی به حساب می‌آید. چنانکه بدون آن، آرایه یک کار بر حجم و جذاب بسیار دشوار است. صدای این ساز جلوه بسیار درخشانی به کار گروهنوازی می‌دهد و اگر نوازنده آن قوی باشد، به تنهایی می‌تواند با چندین ساز مضربی ایران نظیر تار و سنتور برابری کند. می‌گویند اگر بخش کمانچه در یک کار گروهی به خوبی اجرا نشود، کل کار قابل‌قبول خواهد بود. سه نوازی کمانچه، سنتور و تنبک اردشیر، پشنگ و ارزنگ کامکار نمونه جالبی از این دست محسوب می‌شود.



دنوازی کمانچه نیز از دیگر تجربه‌های نوین نوازندگی این ساز شناخته می‌شود. این شیوه که با الگوبرداری از دوت در موسیقی غربی شکل گرفته، به نوازندگان امکان می‌دهد تا صداهای بیشتری و جذاب‌تری از کمانچه تولید کرده و فضاهای بکری را تجربه کنند. دنوازی‌های اخیر اردشیر کامکار و شاگرد توانمندش شروین مهاجر نمونه خوبی از این رویکرد است.

اجرای پاساژهای سرعتی در کمانچه نوازی سنتی معمول نیست ولی چنین امکانی با تلاش اردشیر کامکار و کیهان کلهر رونق یافته است. اجرای این پاساژها به ساز کمانچه جلوه دیگری داده‌اند که گاه در تکنوازی یا گروه نوازی، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. علاوه بر اینها، حضور کمانچه در همراهی با ارکستری غربی نیز یکی از تجربه‌های نوین است که از شاخص‌ترین نمونه‌های می‌توان به کمانچه نوازی اردشیر کامکار در یکی از آثار ارکسترال ساخته هوشنگ کامکار به نام «بر تارک سپیده» اشاره کرد.

خبر

ریستال کینار در تالار رودکی

شرق: نوید زنداوه در شب‌های ۱۱ و ۱۲ خرداد، باقطعاتی از نوازتر، گرنادوس، آلنیزین، دوقایا بارپوس، ویلاوویوس و جان ویلیامز در تالار رودکی اجرای برنامه خواهد داشت. بنا بر این گزارش، در این کنسرت علاوه بر قطعات مذکور سه قطعه ایرانی از سیامک ولایی، نوید زنداوه و فرزانه زحمتکش نیز نواخته خواهد شد. «نوید زنداوه» از سال ۸۴ تاکنون به طور مستمر با اجرای برنامه ریستال گیتار خود در تالارهای مختلف روی صحنه رفته، سال گذشته در تالار بته‌وون خانه هنرمندان ایران برای آخرین‌بار به اجرای برنامه زنده پرداخته است. ریستال گیتار «نوید زنداوه» در شب‌های ۱۱ و ۱۲ خرداد، ساعت ۲۰ در تالار رودکی اجرا می‌شود.

سخت و سو حرکت می‌کنم.

سخت و سو حرکت می‌کنم.